

پیام ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی
سال ششم دوره جدید شماره اول
آذر ۱۴۰۱ ۲۰ صفحه ۶۰۰۰ تومان



گزارش مراسم یادبود سومین
سالگرد درگذشت اعظم طالقانی

آزادی زن
به منزله آزادی حق زندگی

۸ مینو مرتاضی



تلاش اعظم بانو برای سهیم شدن
زنان در حق سرنوشت خود

۳ طاهره طالقانی



جنبشی برای
بازپس گیری زندگی

۱۱ فاطمه گوارایی



طالقانی، به حکومت فقها در عصر غیبت اعتقاد نداشت
«مسئله زن و ایران امروز»

۶ هاشم آقاجری



پیشخوان

jameh_zanan_enghlab_eslamy

به نام خدا

رفراندم، نخستین گام برای خروج از بحران

میهن عزیزمان ایران از اوایل شهریور ۱۴۰۱ وارد مرحله‌ی تازماری از اعتراضات سراسری با پیشتازی زنان و همراهی طیف‌های گوناگون دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگران، اصناف و... شده است. ضمن حمایت از مطالبات بحق مردم از آنجا که:

- ۱- حکومت نمی‌تواند به مدت طولانی نیروهای امنیتی را در برابر مردم معترض قرار دهد.
- ۲- شاهد کشته، زخمی، مجروح شدن تعداد زیادی از هواداران در نقض نفاذ کشور بویژه فاجعه کشته شدن دختران و پسران نوجوان، فاجعه کشتار زاهدان، حمله به دانشگاه شریف، حمله به مدارس و دانش آموزان و سجنه مشکوک آتش سوزی زندان اوین و خسارات غیر قابل جبران دیگر هستیم.
- ۳- اکنون به اعتبار اعتراضات چند ساله و بویژه ورود نسل جدید به عرصه اعتراضات و گسترش سطح و مطالبات آن، در شرایط خطیر کنونی حکومت، زمینه اتفاق تصمیمات یکجمله ملی را ندارد.

بنابراین با تاکید بر اینکه استمرار حکومت بدون رضایت مردم نه مشروع است و نه ممکن و ادامه این روند خطرات بزرگی برای کشور و مسئولیت های حقوقی ملی برای دولت مردان فعلی خواهد داشت، به عنوان نخستین گام برای برون رفت مسالمت آمیز از بحران سیاسی موجود، مراجعه مستقیم به آرای عمومی، از طریق همه پرسی مطابق اصل ۵۹ قانون اساسی را پیشنهاد می کنیم.

جامعه زنان انقلاب اسلامی
1301/VITA

حساب اینستاگرام جامعه زنان انقلاب اسلامی

← Tweet

طاهره علایی طالقانی
@tahre_taleghany

از این ظلمی که به مردم مان می رود پدرم به تو شکایت آورده ام.
آن روز که پشت دوربین تلویزیون از حجاب اختیاری گفتمی، اگر این صحنه قتل مهسا امینی را متصور می شدی، یقینا از خشم عمامه به زمین می کوفتی

#مهسا_امینی
#حجاب_اجباری
#ایت_الله_طالقانی

Translate Tweet

22:59 · 16 Sep 22 · Twitter for Android

حساب قبلی توئیتر طاهره طالقانی (مسدود شده)

جامعه زنان انقلاب اسلامی

میهن عزیزمان ایران از اواخر شهریور ۱۴۰۱ وارد مرحله‌ی تازه‌ای از اعتراضات سراسری با پیشتازی زنان و همراهی طیف‌های گوناگون دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگران، اصناف و... شده است.

با تاکید بر اینکه استمرار حکومت بدون رضایت مردم نه مشروع است و نه ممکن، و ادامه این روند خطرات بزرگی برای کشور و مسئولیت‌های حقوقی- ملی برای دولت‌مردان فعلی در پی خواهد داشت؛ به عنوان نخستین گام برای برون رفت مسالمت‌آمیز از بحران سیاسی موجود، مراجعه مستقیم به آرای عمومی از طریق همه پرسی مطابق اصل ۵۹ قانون اساسی را پیشنهاد می‌کنیم.

<https://telegra.ph/Rf-10-21-2>

کانال تلگرام جامعه زنان انقلاب اسلامی @JAMEHEZANANEE

Tweets Tweets & replies Media Likes

@Ja... · 20 Oct · **جامعه زنان انقلاب اسلامی**

بیانیه جامعه زنان انقلاب اسلامی
رفراندم نخستین گام برای خروج از بحران

به نام خدا

رفراندم، نخستین گام برای خروج از بحران

میهن عزیزمان ایران از اوایل شهریور ۱۴۰۱ وارد مرحله‌ی تازماری از اعتراضات سراسری با پیشتازی زنان و همراهی طیف‌های گوناگون دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگران، اصناف و... شده است. ضمن حمایت از مطالبات بحق مردم از آنجا که:

- ۱- حکومت نمی‌تواند به مدت طولانی نیروهای امنیتی را در برابر مردم معترض قرار دهد.
- ۲- شاهد کشته، زخمی، مجروح شدن تعداد زیادی از هواداران در نقض نفاذ کشور بویژه فاجعه کشته شدن دختران و پسران نوجوان، فاجعه کشتار زاهدان، حمله به دانشگاه شریف، حمله به مدارس و دانش آموزان و سجنه مشکوک آتش سوزی زندان اوین و خسارات غیر قابل جبران دیگر هستیم.
- ۳- اکنون به اعتبار اعتراضات چند ساله و بویژه ورود نسل جدید به عرصه اعتراضات و گسترش سطح و مطالبات آن، در شرایط خطیر کنونی حکومت، زمینه اتفاق تصمیمات یکجمله ملی را ندارد.

بنابراین با تاکید بر اینکه استمرار حکومت بدون رضایت مردم نه مشروع است و نه ممکن و ادامه این روند خطرات بزرگی برای کشور و مسئولیت های حقوقی ملی برای دولت مردان فعلی خواهد داشت، به عنوان نخستین گام برای برون رفت مسالمت آمیز از بحران سیاسی موجود، مراجعه مستقیم به آرای عمومی، از طریق همه پرسی مطابق اصل ۵۹ قانون اساسی را پیشنهاد می کنیم.

جامعه زنان انقلاب اسلامی
1301/VITA

حساب توئیتر حزب @JameheZanan_E_E

پیام ابراهیم

فهرست

- ۴ :: جواد رحیم پور: **مردمسالاری در ضعیفترین نقطه ممکن قرار دارد**
- ۵ :: طاهره طالقانی: **تلاش اعظم بانو برای سهمیم شدن زنان در حق سرنوشت خود**
- ۶ :: فاطمه گوارایی: **جنبشی برای باز پس گیری زندگی**
- ۸ :: فخرالسادات محتشمی پور: **ضرورت پیوند شعار زن - زندگی - آزادی با شعار ایران برای همه ایرانیان**
- ۹ :: مینو مرتاضی: **آزادی زن به منزله آزادی حق زندگی**
- ۱۲ :: هاشم آقاجری: **طالقانی، به حکومت فقها در عصر غیبت اعتقاد نداشت**
- ۱۵ :: سیدمهدی غنی: **کدام جایگاه؟ جاهلیت یا اسلام؟**
- ۱۶ :: **بیانیه جامعه زنان انقلاب اسلامی؛ دفتر قزوین**

صاحب امتیاز

جامعه زنان انقلاب اسلامی

مدیرمسئول

صدیقه کنعانی

دبیران

دبیر تحریریه: جواد رحیم پور

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران تحریریه

منصوره حمصیان، حسین ارغوانی

فرهاد توانا، لاله شاکری، حوریه خانپور

همکاران

فاطمه پزشکی، رقیه زارع پور، صدیقه مقدم

امور هنری و فنی

ویراستار: اکرم گشتاسبی

نشانی

تهران، خیابان انقلاب، خیابان سعدی شمالی خیابان هدایت (شهید

برادران قائدی) بعد از ظهیرالاسلام، پلاک ۱۴۹

تلفکس: ۷۷۵۳۷۰۲۲

وب سایت:

www.payameebrahim.ir

پست الکترونیکی:

payamebrahim1401@gmail.com

Telegram: @PayamEbrahim1401

اشتراک و آگهی

۷۷۵۳۷۰۲۲

مطالب درج شده در مجله لزوماً دیدگاه نشریه نمی باشد.

مسئولیت محتوای مطالب بر عهده نویسندگان است.

مردمسالاری در ضعیف‌ترین نقطه ممکن قرار دارد



● سرمقاله

● جواد رحیم پور



دوره تازه‌ای از فعالیت رسانه‌ای ماهنامه الکترونیک پیام ابراهیم را پس از وقفه‌ای طولانی و پس از فوت مرحوم اعظم طالقانی با مدیرمسئولی سرکار خانم صدیقه کنعانی آغاز می‌کنیم.

فعالیت تازه رسانه‌ای پیام ابراهیم با دور تازه و نسبتاً مستمیری از جنبش فراگیر اجتماعی با شعار محوری «زن- زندگی- آزادی» همراه شده است.

این جنبش که از اواخر شهریورماه ۱۴۰۱ با جان باختن مهسا امینی در نتیجه اقدامات پلیس امنیت اخلاقی موسوم به گشت ارشاد آغاز گردید، اکنون وارد چهارمین ماه اعتراضی خود شده است.

در این مدت حوادث تلخی در زاهدان، خاش، ایذه، کردستان و در بطن خیابان‌های سراسر کشور رخ داده است که به هیچ وجه قابل دفاع و پذیرش نیست، هرچند مسئولان این حوادث از پذیرش آن سر باز زنند. واقعیت آن است که نظام حکمرانی موجود هم به لحاظ ساختار و هم به لحاظ سیاست‌ها با انتظارات مردم فاصله جدی دارد. رویکرد اصلاح سیاست‌ها طی چند دهه گذشته شکست خورده است و اکنون انتظار مردم، اصلاح ساختار حکمرانی است؛ زیرا در این ساختار، مردمسالاری در ضعیف‌ترین نقطه ممکن قرار دارد و صدای مردم در هیچ جای حاکمیت بازتابی ندارد. نمونه‌ها فراوان هستند و ترکیب مجلس یا عدم امکان ریاست‌جمهوری زنان و انحرافات متعدد از قانون اساسی، از جمله کنترل تشکیل احزاب در قالب قانون احزاب و... تنها چند نمونه معروف از این انسداد در روند مردمسالاری هستند.

فیلترینگ گسترده و به حاشیه راندن کسب‌وکارهای آنلاین نمونه دیگری از فدا کردن مصلحت عمومی در برابر منافع گروه اندکی از دولتمردان است.

وقتی به‌راحتی امکانات و زیرساخت‌های عمومی در برابر تصمیمات ظاهراً قانونی مراجعی دستخوش تعلیق و انسداد می‌شود مردم چرا باید باور کنند سایر منافع

آن‌ها در این ساختار گرفتار محدودیت نمی‌شود؟ مگر در موضوع دست بردن به اموال مردم از طریق بورس شاهد به مسلخ بردن منافع عمومی در برابر منافع دولتی نبودیم؟

اگر فکر می‌کنید در موضوع فیلترینگ نفع عمومی لحاظ شده است، حداقل برای یک بار هم شده ادامه آن را به رأی مردم بگذارید.

نگاهی به بیانیه‌های اعتراضی جامعه پزشکی در مراکز نظام پزشکی نشان می‌دهد چگونه بدیهی‌ترین امور پزشکی و صلح‌آمیز توسط گروهی نادیده گرفته می‌شود و در این شرایط چه جایی برای اعتماد مردم باقی می‌ماند؟

از همه جای ایران و در همه امور صدای نارضایتی مردم شنیده می‌شود. نمی‌شود حکمرانی خوب داشت، اما هم‌زمان شاهد نارضایتی مردم بود. شاید دولتمردان دوست داشته باشند مردم آمارهای آنان را به اسم خبرهای خوش باور کنند، اما کیست که نداند با مراجعه هر شهروند به اولین سوپرمارکت یا داروخانه یا فلان اداره تمام این وعده‌ها نه تنها رنگ می‌بازند، بلکه به علت تکرار بر خشم مردم می‌افزایند. در موضوع حجاب، حرمت و کرامت زنان شکسته شد. جدای از آنکه پایه این نوع نگاه به حجاب مبنای اسلامی و قرآنی ندارد، هیچ حکومتی حق ندارد ارزش‌های دینی را تحت هر عنوان ابزاری برای تخفیف شخصیت شهروندان قرار دهد و یا حتی مثلاً کم دینی آن‌ها را به رخ بکشد.

ایمان یک امر شخصی است و دولت به‌عنوان یک ساختار هیچ‌گاه تجلی ایمان نبوده است. ادیان را رسولان مبلغ بوده‌اند نه دولت‌ها. برخوردهای امنیتی در برابر اعتراضات قابل دفاع نیست و باید راه‌حل سیاسی مشروعیت‌بخشی از طریق تحولات ساختاری ایجاد کرد، سازوکار نظام حکمرانی در پیوند با اراده مردم قرار گیرد، و الا ادامه وضع موجود استمرار اعتراضات را در پی خواهد داشت و آنکه در نهایت زیان خواهد کرد، دولتمردان خواهند بود.



● طاهره طالقانی

تلاش اعظم بانو برای سهمیم شدن زنان در حق سرنوشت خود



آبان ماه یادآور سفر ابدی اعظم طالقانی است؛ کسی که همیشه دغدغه مسائل جامعه، احقاق حقوق زنان و جوانان را داشت و برای آن رنج و ستم قبل از انقلاب و پس از انقلاب را به جان کشید.



او همانطور که از پدر خویش آموخته بود می‌دانست که راه رسیدن به جامعه‌ای آزاد، برابر و توسعه‌یافته در گرو آگاهی مردمان، خصوصاً زنان و جوانان است.

خانم اعظم طالقانی با تأسیس مؤسسه برای زنان سرپرست خانوار و مهارت‌آموزی و توانمندسازی آنان تلاش کرد تا بخشی از دین خود را به این گروه از جامعه ادا نماید.

خانم اعظم طالقانی با تأسیس مؤسسه برای زنان سرپرست خانوار و مهارت‌آموزی و توانمندسازی آنان تلاش کرد تا بخشی از دین خود را به این گروه از جامعه ادا نماید.

علی‌رغم بیماری جسمی که داشت برای گرفتن مجوز حزب زنان و فراهم ساختن بستری برای مشارکت اجتماعی آنان و سهمیم شدن در حق تعیین سرنوشت خود تلاش بسیار کرد.

امروز که شاهدیم زنان و مردان این سرزمین بر ستم و استبداد ریشه‌دار شوریده‌اند، بی‌گمان باید قدردان مجاهدت بزرگانی چون او و سایر مجاهدانی بود که برای تحقق آزادی و برابری، دست از راحت و آرام یک زندگی معمولی شستند و این مسیر را در تاریک‌ترین و خوفناک‌ترین شرایط گشوده نگه داشتند.

او همانطور که از پدر خویش آموخته بود می‌دانست که راه رسیدن به جامعه‌ای آزاد، برابر و توسعه‌یافته در گرو آگاهی مردمان، خصوصاً زنان و جوانان است

و برای اینکه بذر این آگاهی در این سرزمین پراکنده شود و آبیاری گردد در تلاش و تقلای شبانه‌روزی بود.

جنبشی برای بازپس‌گیری زندگی



فاطمه گوارابی



بیست‌وپنجم نوامبر سالگرد قتل خواهران میرابیل به دست رژیم دیکتاتور دومینیکن، روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» نامیده شد. سازمان ملل متحد این روز را به‌عنوان مبنایی نمادین برای الزام توجه و اهمیت زنان و انواع خشونت علیه آنان نام‌گذاری کرده است.

علاوه بر مهسا امینی، سارینا اسماعیل‌زاده، نیکا شاکرمی، اسرا پناهی، حدیث نجفی، فرشته احمدی، شیرین علی‌زاده، غزاله چلاوی، حنانه کیا، مینو مجیدی، مهسا موگویی، آیلا حقی، فرشته احمدی و... و... زنانی هستند که با اصابت گلوله جنگی یا ساچمه‌ای یا بر اثر شدت ضربات باتوم و مشت و لگد یا با پرت کردن از ارتفاعات شعله زندگی‌شان خاموش شده است.

در اینجا خشونت در بیشترین سطح و در بی‌پرده‌ترین صورت علیه زنان اعمال می‌شود. برای بسیاری از مردم جهان اساساً قابل‌فهم نیست که زنان یک سرزمین به‌خاطر بیرون گذاشتن بخشی از موی سرشان جانشان را ممکن است به راحتی یک آب خوردن از دست بدهند،

بیست‌وپنجم نوامبر سالگرد قتل خواهران میرابیل به دست رژیم دیکتاتور دومینیکن، روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» نامیده شد. سازمان ملل متحد این روز را به‌عنوان مبنایی نمادین برای الزام توجه و اهمیت زنان و انواع خشونت علیه آنان نام‌گذاری کرده است.

بزرگداشت این روز در ایران با جنبشی مصادف شده است که جرقه‌آغازین آن با مرگ مهسا امینی رقم زده شد و طی این نزدیک به سه ماه در راه پیگیری مطالبات آن جان‌های بسیاری بر زمین افتاد که بسیاری از آنان دختران و زنان این سرزمین هستند.

برای بسیاری از مردم جهان اساساً قابل‌فهم نیست که زنان یک سرزمین به‌خاطر بیرون گذاشتن بخشی از موی سرشان جانشان را ممکن است به راحتی یک آب خوردن از دست بدهند،

جنبشی برای بازپس گیری زندگی

واقعیت این است که حضور زنان در این جنبش حال و هوای خاصی به اعتراضات بخشیده است؛ حضور فعال زنان موجب شده راه‌های خلاقانه و مبتکرانه‌تری در جنبش اعتراضی بروز کند؛ راه‌هایی چون کوتاه کردن موی سر، برداشتن حجاب، سوزاندن روسری‌ها و بست نشستن جمعی در میادین به سرعت در جهان انعکاس یافت و چراغ امید را در دل هزاران هزار مرد و زن ایرانی روشن کرد و بر کارایی جنبش افزود.

حضور گسترده زنان از سنین مختلف، در گروه‌های مختلف و حتی دختران دانش‌آموز در سنین نوجوانی و حتی کودکی در انعکاس بین‌المللی و ایجاد حس مشترکی از اتحاد و همدردی داخل و خارج از کشور و نیز نزد جهانیان بسیار مؤثر بوده و از بار خشونت نیز به‌طور طبیعی کاسته شده است.

حضور و مشارکت فعالانه زنان در اعتراضات تنها به حجاب اختیاری مرتبط نیست، بلکه قد علم کردن در برابر حس تحقیری است که به‌صورت مدام جان و روحشان را آزار می‌دهد

و نیز مخالفت با قوانین ضد زن و تأکید بر ضرورت تغییر قوانین نابرابر شرعی، فقهی و عرفی است.

این جنبش امروزه مرزهای بسیاری را درنوردیده است و دیگر نمی‌توان به ماقبل آن بازگشت. این حرکت حتی با سرکوب کامل نیز از بین نمی‌رود؛ زیرا این جنبش برای بازپس‌گیری زندگی زاده شده است: زندگی! و این زندگی است که در نهایت رنگ خود را بر تاجر، بردگی، بندگی، فرودستی و نابرابری خواهد افشاند.

حضور و مشارکت فعالانه زنان در اعتراضات تنها به حجاب اختیاری مرتبط نیست، بلکه قد علم کردن در برابر حس تحقیری است که به‌صورت مدام جان و روحشان را آزار می‌دهد

اما این اتفاق در مقابل چشمان ما و همه جهان در حال روی دادن است. متأسفانه این ماشین کشتار هنوز هم در حال گرفتن جان‌های جوانان این سرزمین است.

زنان ایران که با تمام توان در فرآیند پیروزی انقلاب ۵۷ مشارکت داشتند، پس از انقلاب بسیاری از دستاوردهای پیشین خود را نیز از دست دادند

زنان ایران که با تمام توان در فرآیند پیروزی انقلاب ۵۷ مشارکت داشتند، پس از انقلاب بسیاری از دستاوردهای پیشین خود را نیز از دست دادند

با مسائل و مشکلات بسیاری روبه‌رو شدند که از دست دادن بسیاری از حقوق اولیه انسانی‌شان بخش لاینفکی از نوع نگاه و مواجهه قدرت مستقر در طول چهار دهه گذشته با مسئله زن بوده است.

در این چهار دهه، حقوق زنان به‌صورت سیستماتیک و نظام‌مند در عرصه عمومی و خصوصی مورد تعرض قرار گرفته است.

انباشت مطالبات زنان - که ریشه در نابرابری‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان داشته و قوانین رسمی و شرعی و قوانین جزائی و فقهی بر آن صحنه گذاشته - از پایین‌ترین و کوچک‌ترین سطح تا بالاترین سطوح زیست زنان را تحت سیطره خود قرار داده است. در کنار دادن مجوز برای انجام قتل‌های ناموسی، کودک‌همسری، حجاب اجباری، اعمال فشار بر فعالان و نهادهای مرتبط با مسائل زنان و اعمال خشونت‌های نهادی که بازوان اجرایی این نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها را بر عهده دارند، موجب شده که زنان به‌عنوان موجود درجه‌چندم در این سرزمین به کنشگران بالقوه عرصه اجتماعی، سیاسی و مدنی تبدیل شوند و با رخداد پدیده‌ای چون مرگ مهسا بسان آتشی زیر خاکستر در این جنبش پا به عرصه ظهور بگذارند.

ضرورت پیوند شعار زن-زندگی-آزادی با شعار ایران برای همه ایرانیان



● فخرالسادات محشمی پور



اعتراضات اخیر را چه می‌نامید؟ شورش، جنبش یا انقلاب؟

به نظر من این اعتراضات نه شورش است و نه انقلاب، بلکه جنبشی اعتراضی است که زنان آن را شروع کرده‌اند و همراهان زیادی از گروه‌های اجتماعی خصوصاً نسل جدید یافته است.



عمیقاً به خشونت‌پرهیزی اعتقاد دارم و فکر میکنم هم مردم و مهم‌تر از آن حاکمیت باید اکیداً از اعمال خشونت اجتناب کنند

شیوه‌های اعتراضی مردم و نحوه برخورد حاکمیت را چطور ارزیابی می‌کنید؟
من عمیقاً به خشونت‌پرهیزی اعتقاد دارم و فکر میکنم هم مردم و مهم‌تر از آن حاکمیت باید اکیداً از اعمال خشونت اجتناب کنند. چراکه نتیجه آن آشوبی تخریبگر و رویارویی مردم عزیزمان خواهد بود که کشور را دچار آسیب و خسران فراوان میکند.

تأثیر این ناآرامی‌ها را در سطح منطقه‌های و جهانی چگونه می‌بینید؟

ایران همیشه با توجه به جایگاه و شرایط ژئوپلیتیک خود مورد توجه کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی بوده و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن خصوصاً بر کشورهای منطقه قابل مطالعه است. جنبش فعلی نیز از این قاعده مستثنی نیست و از هم‌اکنون میتوان تأثیرات عمیقش را پیشبینی کرد.

پیشنهادات شما به معترضان و حاکمیت برای برون‌رفت از بحران کنونی چیست؟

در جهان امروز که همه کشورها از نظام سلطه به‌سوی دموکراسی و حکومت مردم بر مردم پیش می‌روند تصور اینکه بتوان با اعمال زور و فشار و به ضرب اسلحه حکومت کرد خیالی است باطل و از سوی دیگر جریان حاکم در ایران هم طرفدارانی متعصب و جانفدا دارد؛ بنابراین باید توهم و خیال حذف و عدم مخالف را کنار گذاشت و به گفت‌وگو و تعامل در فضایی برابر و شایسته اندیشید. طبیعی است در این مسیر حکومت باید پیشگام باشد و با شنیدن اعتراضات به حق مردم و پذیرش و اعمال پیشنهادات سازنده این تنها راه ممکن برای حل مشکلات را هموار سازد.



در جهان امروز که همه کشورها از نظام سلطه به‌سوی دموکراسی و حکومت مردم بر مردم پیش می‌روند تصور اینکه بتوان با اعمال زور و فشار و به ضرب اسلحه حکومت کرد خیالی است باطل

نظر شما درباره شعار «زن-زندگی-آزادی» چیست؟

به نظر من این شعار میتواند آغازگر خوبی باشد؛ چراکه اولاً جنس جنبش زنانه است و در واکنش به مرگ‌طلبیهای بیجای حکومتی طی این چند دهه خواستار زندگی است و آزادی هم شعار انقلاب نسل پیشین بوده و هنوز هم آرزو و رؤیای همه ماست، اما این شعار باید با شعار ایران برای همه ایرانیان پیوند یابد تا چتری بزرگ بر سر همه تحول‌خواهان عدالت‌طلب در سراسر ایران عزیز بگستراند.

به نظر شما این اعتراضات به چه سویی می‌رود؟

این جنبش و خیزش که تبلوری از خواسته‌های سرکوب‌شده نسل نوست، اگر دخالت‌ها و جهت‌دهیهای بیرونی آن را از مسیر درست خود خارج نکند میتواند فضای سلطه دیکتاتوری را از میان ببرد و جامعه را به شرایط حاکمیت دموکراسی نزدیک کند.



● مینو مرناضی

آزادی «زن» به منزله آزادی حق زندگی



اعتراضات اخیر را چه می‌نامید؟ شورش، جنبش یا انقلاب؟

عملکرد خلاف گشت غیرقانونی ارشاد که مرگ مظلومانه مهسا را رقم زد و نپذیرفتن مسئولیت پاسخگویی توسط مسئولان مربوطه، همچون جرقه آتش به خرمن فشرده محرومیت‌ها و نارضایتی‌های انباشته از فقر و بیکاری و تحقیر و تبعیض مردم اصابت کرد و خشم عمومی را برانگیخت. خشم و هیجان برآمده از رویداد سبب وحدت و خیزش خودجوش اعتراضی مردمی شد که از نبود عدالت و انواع تبعیضها رنج می‌برند. نسل جوان در حسرت زندگی و زیست شایسته و شاد با تمنای رهایی از وضعیت دشوار و نومیدانهایی که در آن به سر می‌برد ناخود آگاه با بدن بی‌جان مهسا امینی همذات‌پنداری کرد و در جست‌وجوی شور حیات با شعار زن زندگی و آزادی به میدان مبارزه وارد شد. اعتراضات کنونی را می‌توان در چارچوب خیزش اجتماعی جهت رهایی صورتبندی کرد. در عین حال باید توجه داشت که خیزشهای اعتراضی خودجوش استعداد و قابلیت تبدیل شدن به جنبش اجتماعی را دارند.

به روایت تاریخ جنبش‌های اجتماعی و حتی انقلابی اغلب با جرقه‌هایی عاطفی شروع میشوند.

نظر شما درباره شعار «زن-زندگی-آزادی» چیست؟

شعارها به‌منزله کنش جمعی محسوب می‌شوند و بیانگر نحوه تفکر و نگاه و ارزش‌ها و آرمان‌ها و مطالبات مشترک گروهی هستند. شعارها در جریان ارتباطات انسانی فراتر از گروه انتشار یافته و اگر مورد پذیرش همگان واقع شوند در فرهنگ و تاریخ جامعه وارد و جای خواهند گرفت.

شعارها را می‌توان جنبه نمادین هرگونه کنش جمعی از

قبیل اعتراض و جنبش و انقلاب دانست. در عین حال شعارها را می‌توان به‌عنوان عامل وحدت‌بخش عینیت و ذهنیت مطالبه‌گران در اعتراضات یا انقلابات و شورش‌ها دانست. در خیرش اعتراضی کنونی نکته جالب توجه که قابلیت تاریخی شدن پیدا کرده، این است که شعارهای خیابانی مطلقاً حول محور ستایش زندگی و آزادی است. حضور زن در این شعارها نماد بدنمندی و عینی بودن زندگی و آزادی است. قاطعانه می‌توان گفت که اولین بار در تاریخ ایران است که آزادی «زن» به‌منزله آزادی حق زندگی نماد شده و مورد پذیرش اکثریت جامعه و حتی جهان قرار گرفته و جهانی شده است. این شعار به لحاظ تئوریک شعار درستی است و حقیقتی را بیان می‌کند که آزادی جامعه بدون آزادی زنان فریبی نیست؛ اما با کمال تأسف شعاری که به‌سادگی و زیبایی از یک حقیقت ناب سخن می‌گوید وقتی به هر دلیل در کنار فحاشیها و شعارهای سکسیستی قرار می‌گیرد یک‌باره از جنبه نمادین و محتوای عالی خود تهی می‌شود و نوعی دموکراسی تهی از معنا و حقیقت را بازنمایی میکند.

نسل جوان در حسرت زندگی و زیست شایسته و شاد با تمنای رهایی از وضعیت دشوار و نومیدانهایی که در آن به سر می‌برد ناخود آگاه با بدن بی‌جان مهسا امینی همذات‌پنداری کرد

به نظر شما این اعتراضات به چه سویی می‌رود؟

خیزشهای اعتراض برای تبدیل شدن به جنبش اجتماعی تأثیرگذار نیازمند داشتن تبیین روشن و واضح از شرایط ذهنی و عینی جامعه برای ورود به وضعیت جنبشی هستند. خیزش اعتراضی اخیر فاقد قدرت تبیین روشن و دقیق از ذهنیت اجتماعی جهت آمادگی حضور و پرداخت هزینه در راه مطالبات خویش است. وجود فقر و فساد و نابرابری شروط عینی جهت خیزش اعتراضی هستند، اما

آزادی «زن» به منزله آزادی حق زندگی

زن و مرد و کرد و عرب و بلوچ و هر قشر و گروهی که احساس تبعیض و نابرابری داشت را کنار هم قرار داد. همین وحدت ایجادشده در بیقدرتان و تبعیضیدگان است که از سویی امید به تغییر وضعیت تحقیرآمیز و نفسگیر پیشین را در قلب مردم برانگیخته است و از دیگر سو اقتدار مردم متحد را به رخ حکومتگران میکشد و اجازه انکار و حذف مردم را از قدرتمندان بازمی‌ستاند.

تأثیر این ناآرامیها را در سطح منطقیهای و جهانی چگونه می‌بینید؟

در حال حاضر که جامعه در شور و هیجان اعتراضات به سر میبرد و جهان هم با بهت و ناباوری نظارهگر شجاعت زنان ایران برای مبارزه با تبعیض و کسب رهایی خویشاند، به‌طور دقیق نمیتوان از تأثیرات این خیزش در منطقه و جهان سخن گفت. همراهی زنان جهان و سلبریتیها از مدلهای ابتکاری اعتراضی زنان ایران در قیچی کردن موها و حمایت از مطالبه حق آزادی انتخاب سبک زندگی زنان بیشتر در فضای مجازی واقع شده است. بيتدريد پس از فروختن هیجانانگیز موضوع این نوع مقاومت و خیرش اعتراضی زنان ایران میتواند سوژه تحقیقی نابی برای پژوهشگران اجتماعی در ایران و جهان باشد. نتایج این پژوهشها تأثیرات واقعی این خیزش را نشان خواهد داد.

پیشنهادات شما به معترضان و حاکمیت برای برون‌رفت از بحران کنونی چیست؟

تا پیش از این خیزش اعتراضی جامعه دچار نوعی یأس و انفعال بود. هرکس سر در گریبان خویش فرو برده و منتظر بود کسی بیاید و کاری بکند. این خیزش امیدی در قلبها برافروخت که باید این شعله امید را به شیوه نیاکانمان چون آتش ایزدی مقدس دانست و پاسداشت.

برای تبدیل شدن به جنبش اجتماعی کافی نیستند. در عین حال این واقعیت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که جامعه ایران هرگز به وضعیت پیش از خیرش اعتراضی اخیر باز نخواهد گشت.

شیوه‌های اعتراضی مردم و نحوه برخورد حاکمیت را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اعتراضات اخیر شامل دو نوع حضور پرشور جوانان در دو فضای واقعی «خیابان» و فضای مجازی بود که سپهر عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. ابتدا به نظر میرسید با تخلیه خشم ناشی از مرگ مظلومانه مهسا امینی جوانان به خانه برمیگردند، اما نحوه برخورد حاکمیت و نپذیرفتن مسئولیت اشتباه و جرم گشت ارشاد، بغض فروخته چند دهه انکار حق مظلوم سبب انفجار خشم و خشونت در خیابانهای شهرها شد. شعارها از برچیدن گشت ارشاد به سمت شعارهای ساختارشکن کشیده شد. کنش همگانی مردم و همدلی وسیع اقشار گوناگون جامعه در سوگ مهسا نشان داد که غمهای ملی و وجدانهای معذب جمعی قابلیت این را دارند که بنیاد تغییرات بزرگ را بنا نهند. به این ترتیب جامعه ایران وارد مرحله جدیدی از تاریخ زیست سیاسی خویش گردید.

به این ترتیب که دیگر نه حکومت می‌تواند گوش و چشم خود را بر اعتراضات و خشم و پرسشهای مردم ببندد و مردم را مشتئی فریبخورده قلمداد کند و مردم به‌ویژه زنان حاضر نیستند به وضعیت زیست پیش از این اعتراضات برگردند. نکته جالب توجه این است که این اعتراضات که قدرت و انرژی‌اش را از خشم و اندوه ملی کسب می‌کرد همه مرزهای تبعیض که توسط قدرت بین مردم کشیده شده بود را فروریخت.

عملکرد خلاف گشت غیرقانونی ارشاد که مرگ مظلومانه مهسا را رقم زد و نپذیرفتن مسئولیت پاسخگویی توسط مسئولان مربوطه، همچون جرقه آتش به خرمن فشرده محرومیتها و نارضایتها

است

آزادی «زن» به منزله آزادی حق زندگی

ایران نیستند. در عین حال از دشمنی با جهان به هر بهانه و بیبهاغه به تنگ آمده‌اند.

حکومت بر اساس صلح و آشتی ملی و باور خرد جمعی با مردم سخن بگوید و با عدالت با مردم رفتار کند. مسئولان قوای کشور با اعتماد به مردم و به رسمیت شناختن قدرت آنان رفاه و عزت و امنیت در ایران و جهان را به این ملت مقاوم ارزانی دارند.

« قاطعانه می‌توان گفت که اولین بار در تاریخ ایران است که آزادی «زن» به منزله آزادی حق زندگی نماد شده و مورد پذیرش اکثریت جامعه و حتی جهان قرار گرفته و جهانی شده است »

حیات جمعی و فردی انسانها به امید گره خورده و وابسته بدان است. راهی نو پیش پای مردم و حکومت گشوده شده است. این مردم از وضعیت موجودات خیالی که همچون توده‌های ابر با هر نسیم به شکلی درمی‌آیند خود را رهانیده‌اند. این رهایی تجربه‌شده افقها و امکان تازه‌ای برای با هم بودن و برابر بودن گشوده است.

از این گشودگی میتوان به نفع شناخت و معرفت جمعی در جهت مشق آزادی و دموکراسی بهره برد. این افق معنایی گشوده‌شده حاصل خون جوانان و مردم همین سرزمین اعم از مردم عادی و یا نیروهای انتظامی و بسیجی است. حاکمیت نیز بهتر است این افق و فضا را که با هزینه‌های بسیار و سخت گشوده شده به رسمیت بشناسد و تغییرات را از خود آغاز کند و وفاداری و اعتماد خویش به مردم و منافع ملی ایران را آشکارا نشان دهد. این خیزش که در آن هیچ شعاری در مدح و ثنای هیچ شخصیت سیاسی داده نشد باید این باور را در حاکمان تقویت کند که مردم ایران هرگز حمایت‌کننده و مقوم شخصیت‌های ساخته و پرداخته بیگانه در مقام حاکم برای



« کنش همگانی مردم و همدلی وسیع اقشار گوناگون جامعه در سوگ مهسا نشان داد که غم‌های ملی و وجدان‌های معذب جمعی قابلیت این را دارند که بنیاد تغییرات بزرگ را بنا نهند »

طالقانی، به حکومت فقها در عصر غیبت اعتقاد نداشت

سومین سالگرد درگذشت بانوی نستوه اعظم طالقانی روز جمعه ششم آبان به دعوت جامعه زنان انقلاب اسلامی با حضور عده کثیری از فعالان سیاسی و مدنی در دفتر مرکزی جامعه زنان انقلاب اسلامی برگزار شد. در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم، خانم رقیه زارع پور، شرح مختصری از سال‌ها فعالیت این «رجل سیاسی» در زمینه حقوق زنان و حقوق بشر و خدمات ارزشمند بی‌شمارش ارائه کرد. این نشست با سخنرانی دکتر هاشم آقاجری با موضوع: «مسئله زن و ایران امروز» ادامه پیدا کرد و با پرسش و پاسخ درباره این موضوع پایان یافت.

«مسئله زن و ایران امروز»

کلثوم ننه بیان کرده و زنان را در قالب یک قصه دستمایه طنز و هجو قرار داده است. در دوره قاجاریه، کتابی به نام تأدیب النساء را می‌بینیم که آغاز بیداری و آگاهی زنان در این دوره است و زنی به نام بی‌بی خانم استرآبادی جواب تندى به نویسنده کتاب معالم الرجال می‌دهد و مردان را مورد نقد قرار می‌دهد.

در عصر بعثت، در بیان نبوی زن و مرد یک خاستگاه واحد هستی‌شناختی دارند که طالقانی هم در تفسیر پرتوی از قرآن به آن می‌پردازد. بر اساس جهان‌بینی توحیدی، پیامبر گام‌هایی در زمینه ازدواج، مالکیت و کنشگری زنان برداشته که در قرآن



به ثبت رسیده. پیامبر با توجه به شرایط و امکان تاریخی توانست جامعه را چند گام به جلو ببرد و از نابرابری و تفاوت بکاهد و بر برابری و عدالت بیفزاید و این امر نهایت تلاش پیامبران و مصلحان نبود. در صورت این برداشت غلط دچار تناقض و ناهم‌زمانی و آنارکونیسم می‌شویم و نتیجه این تفکر که اگر چند گام به جلو پیامبر را نهایت تلاش پیامبر بدانیم نتیجه آن جز ایجاد بحران نیست و این همان چیزی است که حکومت روحانی‌سالار امروز در ایران با آن مواجه است

در همه زمینه‌ها، قانون قصاص در قرآن جهت محدود کردن کشت و کشتار که در ازای یک نفر مقتول کل قبیله قاتل را می‌کشتند، آمده که «و لکم فی القصاص حیاة»، این حیات است که یک نفر در مقابل یک نفر



دکتر هاشم آقاجری: «در سالگرد آیت‌الله طالقانی موضوع صحبت طالقانی و مسئله زن بود و اکنون در سالگرد بانو اعظم طالقانی با وجود جنبش «زن-زندگی-آزادی» این مسئله به یک بحران تبدیل شده است؛

بحرانی که ناشی از چیزی است که من آن را در تاریخمان پروژه‌های ناتمام و پروسه‌های کژدیسه می‌نامم. تا پیش از مواجهه جهان اسلام و شرق با مدنیت مدرن غربی مسئله‌ای به نام زن و زن به‌عنوان یک ابژه نداشتیم؛ البته

در دوره میانه تاریخ ایران در آثار نویسندگان سنی و شیعه، نه به‌عنوان یک ابژه بلکه، به‌عنوان یک موجود فرودست، قابل چارچوب‌بندی و تکلیف‌گذاری مطرح شده است و اوج آن را در آثار غزالی مشاهده می‌کنیم. حدود ششصد سال پیش پس از غزالی یکی از بزرگ‌ترین علمای شیعه به نام آقاجمال خراسانی در دوران صفویه در قرن ۱۱ هجری نظر خودش به امر زنانه را در یک اثر کمیک و در یک هجونامه به نام

سیستم زمان ۵۸ دچار یک شیفت گفتمانی رو به عقب و قهقرایی شد و خلاف جهت تاریخ حرکت کرد. از گفتمان مدرن شریعتی به‌تدریج به سمت گفتمان مصباح و ائمه جمعه و مداحان رفت

«مسئله زن و ایران امروز»

قرائت دیگری به دست دهند که راه را در جامعه صد سال پیش ایران باز کند. فرآیند بهنجاری که از دوره مشروطه شروع شده بود می‌توانست آمیزش افق سنت و مدرنیته را ایجاد کند و از آن تقابلی که از دوره رضاشاه پیش آمده بود جلوگیری کند. پروژه

مدرنیزاسیون آمرانه رضاشاه، حتی با اهداف خیرخواهانه در این پروسه اختلال ایجاد کرد. جامعه سنتی به علت بی‌حجابی به‌صورت منفی و منفعل عقب‌نشینی کرد و مانع رفتن دختران به مدرسه شد و این فاجعه‌ای بود. من واکنش‌های روحانیت در جمهوری اسلامی را نوعی واکنش و انتقام از آن دوره می‌بینم. دوره بعد که دچار کژدیسی شدیم دهه ۵۰ بود که بین زنان باحجاب و بی‌حجاب مذهبی و غیرمذهبی تعاملی اتفاق می‌افتاد.



قصاص شود نه یک قبیله. در صورتی که به این آیه در جامعه کنونی مرگ‌طلبانه و مصرّ برکشتار و اعدام تلقی می‌کنند.

این موضوع در همه زمینه‌ها از جمله در امر زنانه هم صادق است. در یک حدیث سنت‌گرایانه و منسوخ و مجعول از قول حضرت

زهرا می‌گویند: «بزرگ‌ترین فضیلت زن این است که نه مردان او را ببینند و نه او مردان را» و این مطلب را روی پلاکاردها می‌نویسند و در بزرگراه‌ها می‌آویزند، در صورتی که حضرت زهرا و حضرت زینب از این فضیلت بی‌بهره بودند، چون هم آن‌ها مردان را می‌دیدند و ارتباط داشتند هم مردان آنان را.

آنچه شما به‌عنوان حجاب می‌بینید از قرن نوزدهم به مسئله جدی تبدیل می‌شود و به‌خصوص از زمان ناصرالدین‌شاه شریعتمداران علیه صفور (بی‌حجابی و چهره‌گشایی) و درباره حجاب (روپوشی و در پس پرده بودن) ده‌ها رساله و کتاب نوشتند.

زنان در جنبش تنباکو حضور داشتند؛ نه برای خود، بلکه برای شریعت و دفاع از فتوای مرجع تقلید، میرزای شیرازی. در ایران جنبش زنان برای خود بسیار با تأخیر صورت گرفت. نخستین بار قبه آگاهی زنان را در زمان ناصرالدین‌شاه می‌بینیم، مثلاً در آثار طاهره قره‌العین و تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه. هرچه جلو آمدیم دولت‌ها کوشیدند مسئله زنان را مدیریت کنند و اجازه نمی‌دادند فرآیند آگاهی، بیداری و بالندگی زنان که شروع شده بود، مسیرش را نرمال و طبیعی طی کند. دو دوره بحرانی داریم که تضاد سیستم در بالا و زیست‌جهان ایرانی در پایین باعث حاد شدن مسئله زن می‌شود: یکی دوره رضاشاه؛ و یکی هم دوره جمهوری اسلامی است.

«در سالگرد آیت‌الله طالقانی موضوع صحبت طالقانی و مسئله زن بود و اکنون در سالگرد بانو اعظم طالقانی با وجود جنبش «زن-زندگی-آزادی» این مسئله به یک بحران تبدیل شده است؛

این روند تا سال ۶۰ ادامه داشت، تا باز با مداخله سیستم این بار از طرف حکومت دینی مواجه شد؛ مداخله برای باحجاب کردن دختران.

سیستم زمان ۵۸ دچار یک شیفت‌گفتمانی رو به عقب و قهقرایی شد و خلاف جهت تاریخ حرکت کرد. از گفتمان مدرن شریعتی به تدریج به سمت گفتمان مصباح و ائمه جمعه و مداحان رفت

در حالی که جامعه ایرانی پایه‌پای تحول نسلی و در متن اینترنت و گلوبالیزیشن و جوان ایرانی پشت به سنت و دست در دست همسنگ‌های خودش در جهان فکر می‌کند سیستم به سمت بنیادگرایی و خرافه‌گرایی

با وجود فرهنگ مذهبی سنتی که حتی آموزش بعضی سوره‌های قرآن منع می‌شود، عده‌ای روشنفکر تحت تأثیر تجربه فرنگ می‌خواهند از سنت و متون مقدس

«مسئله زن و ایران امروز»

در هر صورت ما باید به میراثمان نقد اصولی داشته باشیم، ما طالبان نیستیم. ما قرار نیست حتی در بازارگان و شریعتی درجا بزنیم. در انگلیس زنان برای حق رأی مبارزه کردند و به تدریج به یک «گروه برای خود» تبدیل شدند. امروز هم زنان ما در ایران به خصوص در شهرها به یک «گروه برای خود» تبدیل شده‌اند.

می‌رود. این تناقض و گسست به یک بحران تبدیل می‌شود. امروز قیام با بحران حقوق زنان روبه‌روست: بحران نسل Z.

هر جا با انقلاب از پایین روبه‌رو می‌شویم باید شاهد یک اصلاحات شکست‌خورده از درون باشیم

و اما بحث ناتمام ما در مورد آقای طالقانی: در مراسم

سالگرد ایشان در کانون توحید که منتقدین می‌گفتند در آثار ایشان سهم چندانی به زنان داده نشده، باید توجه داشت که در آن مقطع تاریخی مسئله زنان مسئله محوری نبود. او یک عالم دینی بود نه یک حزب اجتماعی. باید با مراجعه به متن و اتکای به آن نظریه‌ای را مطرح کرد، او در لابه‌لای آثارش به خصوص در پرتوی از قرآن در مورد زنان بسیار صحبت کرده است.

ایشان داستان خلقت آدم و حوا برخلاف فرهنگ عامه که حوا از دنده چپ آدم خلق شده است، با دقت نظر در آیات قرآن، بالعکس فهم می‌کند. مسئله محوری آقای طالقانی در زمانه خودش آزادی است. او آزادی را اساسی‌ترین مسئله

می‌داند، حتی مقدم بر عدالت؛ و آزادی واقعی در جامعه‌ای محقق خواهد شد که مردم گرفتار فقر و فاصله اجتماعی نباشند. آقای طالقانی ادامه نائینی است، این دو اصلاً به حکومت علما و مجتهدین و فقها در عصر غیبت اعتقاد نداشتند.»

هر جا با انقلاب از پایین روبه‌رو می‌شویم باید شاهد یک اصلاحات شکست‌خورده از درون باشیم



نظام‌های سیاسی امروز از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران در دنیای مدرن و پسامدرن، باید یک انقلاب پارادایمی در فقه بکنند تا فقه به حقوق تبدیل شود.

جنبش واقعی زنان از انقلاب ۵۷ شروع شد. یکی از شعارهای انقلاب آزادی بود، اما در حکومت فقیه‌سالار عدالتش یا به‌مثابه تبعیض است یا تفاوت ولی اساساً در تفکر مدرن و گفتمان روشنفکری چندان به مسئله زن پرداخت نشده، حتی آقای طالقانی، چون مسئله اصلی و گفتمان دورانی مبارزه ضد استعماری و ضد استبدادی بوده. نگاه جنسیت‌زده فقه سنتی و فقه بنیادگرا به زن او را به سسک تقلیل می‌دهد.

نظام‌های سیاسی امروز از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران در دنیای مدرن و پسامدرن، باید یک انقلاب پارادایمی در فقه بکنند تا فقه به حقوق تبدیل شود.

در زمان ناصرالدین‌شاه زنی که نقاب نداشت بی‌حجاب محسوب می‌شد، در حالی که از دید شهید مطهری در کتاب حجاب (منتشر شده در اواخر دهه ۴۰)، پوشش بدن به جز وجه و کفین، حجاب اسلامی است. بعضی چیزها را تاریخ تحمیل می‌کند مثل حق رأی زنان.



● سید مهدی غنی



و مهربانی است. پیامبر نیز خانه ابوسفیان را محل امن اعلام کرد که هرکس بدان جا پناه برد در امان باشد. اکنون با گذشت چهارده قرن از آن دوران، آن اعراب و قبیایل را بدوی، جاهل و بی تمدن می خوانیم، اما چگونه است که برخی خلیقات و عادات آن ها را هنوز در خود داریم.

چرخه خشونتی که اکنون در کشور مشاهده می کنیم چه نسبتی با فتح مکه دارد؟

برخی برای طرح مطالبات انسانی و قانونی در خیابان به دشنه و قمه متوسل می شوند و برخی برای مقابله با این مطالبات، از زندان و اعدام و خشونت متقابل سخن می گویند. طبیعی است که این چرخه پایانی ندارد و طرفین با اقدامات خود، طرف مقابل را تغذیه کرده و انگیزه اعمال خشونت جدید ایجاد می کند. هرکس با اقدامات آن دیگری، خشونت خود را توجیه منطقی یا شرعی می کند.

از جوانانی که در همین نظام آموزش و پرورش، آموزش دیده اند انتظاری نیست که از اسلام رحمانی چیزی بدانند، اما از فقهای بی که سالهاست از دیانت برای حکومت خود هزینه می کنند، می توان پرسید امروز شما در کدام جایگاه ایستاده اید: «یوم الملحمه» یا «یوم المرحمه»؟ در جایگاه «اعرابی خشونت گرا» یا «پیامبری بخشایش گر»؟

کدام جایگاه؟ جاهلیت یا اسلام؟

می گویند یکی از عادات مردم بدوی و بیابان نشین، کینه توزی و انتقام جویی بوده است.

چنان که جنگ و ستیز جزو لوازم زندگی و هویت آنان شمرده می شد. گفته شده وقتی پیامبر اسلام درباره ویژگی های بهشت به عنوان سرزمینی مطلوب می گفت، مردی پرسید در بهشت جنگ هم هست.

وقتی پاسخ منفی محمد را شنید، گفت پس این بهشت تو به درد نمی خورد. به عنوان نمونه یکی از نبردهای قبیله ای آن دوران که به «جنگ بسوس» معروف شده است با کشته یا زخمی شدن شتری متعلق به بسوس از قبیله بکر توسط کلیب، رئیس قبیله تغلب، شروع می شود. خواهرزاده بسوس برای انتقام، کلیب را می کشد و افراد قبیله تغلب نیز اقدامی مشابه می کنند و این چرخه به چندین جنگ میان دو قبیله که خویشاوند هم بودند می انجامد. گفته شده این ستیزه جویی چهل سال به درازا کشید.

جالب است آن زمان که فیلم و عکس و کلیپ نبوده با سرودن اشعار حماسی و احساسی افراد قبیله را تحریک و به انتقام گرفتن تشویق می کردند. هر زمان که عقلائی از طرفین در صدد میانجی گری و پرداخت دیه و پایان جنگ برمی آمدند، بستگان کشته شده ها با توصیف خشونت های طرف مقابل، اقدامات آن ها را خنثی می کردند و دوباره آتش جنگ را برمی افروختند.

پیامبر اسلام در چنین فضایی ظهور کرد و تلاش نمود این کینه جویی را مهار کند. آخرین تصویری که وی در آن دوران به نمایش گذاشت در فتح مکه بود. اهالی مکه طی هشت سال به فرماندهی ابوسفیان، چندین جنگ علیه مسلمانان به راه انداخته بودند و افراد زیادی در این جنگ ها کشته شده بودند. وقتی پیروان محمد وارد مکه شدند شعار دادند «الیوم یوم الملحمه»؛ امروز روز انتقام و کوبیدن است. پیامبر گفت شعار را تغییر دهید و بگویید «الیوم یوم المرحمه»؛ امروز روز رحمت

بیانیه جامعه زنان انقلاب اسلامی

دفتر قزوین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالتَّحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا».

به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم. (سوره اسراء آیه ۷۰)

ملت شریف ایران، زنان و جوانان انقلابی و تحول‌خواه

زمینه تحولات بنیادین را در ساختارهای حاکم فراهم سازد. اسلام -چنان‌که باورمندان به اسلام به‌مثابه بیان آزادی، از جمله آیت‌الله طالقانی باور داشتند- تمامی امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی را نه بر پایه سلطه که بر پایه شورا استوار می‌سازد. هرگونه رابطه سلطه مصداق حاکمیت «من دون الله» و شرک است. پیامبر بر همین اساس نخستین جمهوری شهروندان را در تاریخ بنیاد نهاد، پیامبر وظیفه داشت که تمامی امور جامعه را بر بنیاد «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ... (آل عمران ۱۵۹) وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ... (شوری - ۳۸)» سامان دهد. مدینه پیامبر، امت واحده‌ای بود که نه بر پایه عقیده که بر پایه

حکمنندی انسان شکل گرفته بود. بر بنیاد صحیفه پیامبر، همه اعضای مدینه از زن و مرد مسلمان و یهودی و مشرک حق برابر داشتند. مولی‌الموحدين علی ابن ابیطالب نیز که به دنبال احیای جمهوری شهروندان بود با گردهمایی اقدار

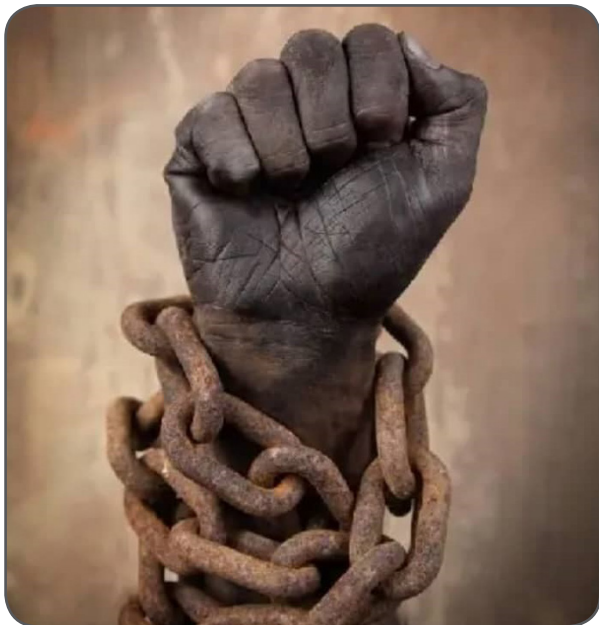


انقلاب شگرف اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ به دنبال تحقق نظمی نو بر بنیاد معنویت رهایی‌بخش بود. نظریه‌پردازان و رهبران انقلاب اسلامی از جمله آیت‌الله طالقانی بر بنیاد استقلال نظریه موازنه منفی دکتر محمد مصدق، و از اسلام، مفهوم آزادی را در نظر داشتند تا ساختاری مستحکم برای زیست مستقل و آزاد انسان و به دور از هرگونه تعلق مذهبی، قومی، جنسیتی و طبقاتی برپا سازند، اما برخی دست‌اندرکاران، برخلاف آرمان‌های انقلاب و اصل ششم قانون اساسی که اداره امور کشور باید به اتکای آرای عمومی باشد با حذف نیروهای مردمی، حکومتی جناحی و ناکارآمد را بر جامعه تحمیل کردند.

اکنون که ملت برای احیای کرامت انسانی خود، با پیشگامی زنان و جوانان به‌پا خاسته است، بر رژیم حاکم است که با بازگشت به اندیشه محوری انقلاب

بدین‌سان جامعه زنان انقلاب اسلامی که از بدو انقلاب بر پایه اندیشه آیت‌الله طالقانی، به دنبال احیای کرامت انسان به‌ویژه زنان است از جنبش برحق زنان و جوانان که بر ضد تحقیر و تبعیض و برای احیای کرامت انسان شکل گرفته است اعلام حمایت می‌کند. از حاکمیت انتظار می‌رود زمینه دگرگونی بنیادین ساختار کرامت‌ستیز فعلی را فراهم سازد و دست از سرکوب خونبار زنان و جوانان و اعدام معترضان بردارد

ملت شریف ایران زنان و جوانان انقلابی و تحول خواه



مردم و بر بنیاد بیعت عامه به زمامداری رسید تا همه روابط سلطه را به روابط مبتنی بر حق دگرگون سازد. او بر همین بنیاد مدارا با مردم را به مالک اشتر یادآور شد، چنان که می‌فرماید:

«مهربانی با مردم را شعار دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اندک دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش... اگر گناهی از آنان سر میزند، آنان را ببخشایی و بر آنان سخت مگیری، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد...»

بر بخشش دیگران پشیمان مشو، و از کیفر کردن شادی مکن، و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش» (نامه ۵۳ حضرت علی به مالک) و همین بیان است که اکنون از زبان امام جمعه محبوب، مولوی عبدالحمید، اظهار شده است که «ما همه ایرانی هستیم. شیعه و سنی و درویش و بهایی و همه اقوام به‌عنوان ایرانی حق برابر دارند».

بدین‌سان جامعه زنان انقلاب اسلامی که از بدو انقلاب بر پایه اندیشه آیت‌الله طالقانی، به دنبال احیای کرامت انسان به‌ویژه زنان است از جنبش برحق زنان و جوانان که بر ضد تحقیر و تبعیض و برای احیای کرامت انسان شکل گرفته است اعلام حمایت می‌کند. از حاکمیت انتظار می‌رود زمینه دگرگونی بنیادین ساختار کرامت‌ستیز فعلی را فراهم سازد و دست از سرکوب خونبار زنان و جوانان و اعدام معترضان بردارد. چراکه به تعبیر قرآن:

"مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ".

به این سبب بر بنی‌اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، اقصا یا بدون آنکه

فسادی در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان‌ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است. و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی‌اسرائیل آوردند، سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به تجاوز از حدود حق و فساد و زیاده‌روی برخاستند. (سوره مائده آیه ۳۲)

جامعه زنان انقلاب اسلامی همچنین از مراجع عظام تقلید شیعه مصرانه می‌خواهد به سکوت خود پایان دهند و با پیروی از میراث عالمان آزادی‌خواه به‌ویژه آخوند ملاکاظم خراسانی که حاکمیت را در عصر غیبت از آن جمهور مسلمین و جمهور مردم، می‌دانست، همچون رهبران حق‌طلب اهل سنت به دفاع از جنبش حق‌طلبانه مردم ایران برآیند و این‌چنین استقلال از دست رفته خود را بازیابند.

برخی دست‌اندرکاران، برخلاف آرمان‌های انقلاب و اصل ششم قانون اساسی که اداره امور

کشور باید به اتکای آرای عمومی باشد با حذف نیروهای مردمی، حکومتی جناحی و ناکارآمد

را بر جامعه تحمیل کردند



جامعه زنان انقلاب اسلامی در شبکه‌های اجتماعی :

تلگرام: @JAMEHEZANANEE

توییتر: @Jamehezanan_E_E

اینستاگرام: jameh_zanan_enhlab_eslamy

ماهنامه الکترونیک پیام ابراهیم

کانال تلگرامی: @PayamEbrahim۱۴۰۱

وب سایت: www.payameebrahim.ir

حساب جدید توییتر خانم طاهره طالقانی؛ دبیر کل جامعه زنان انقلاب اسلامی: @TahereTaleghani

(حساب قبلی مسدود شده)



ارشاد یا ارباب؟



ارشاد یا ارباب

August 5, 2022 by جامعه زنان انقلاب اسلامی

ارشاد یا ارباب؟

درباره اجرای قانون حجاب، برخوردهای انجام شده توسط مامورین پرسشهایی از این شمار برانگیخته است که امیدواریم مسئولان امر از کنار آن بی تفاوت نگذرنند.

در قرآن کریم خطاب به پیامبر گفته شده «اگر خشن و سخ دل بودی بیگمان از پیرامونت پراکنده میشدند.» (۱۵۹ ال ع مران) یعنی حتی سخن خداوند را هم نمی توان با خشونت و تندی به مردم ابلاغ کرد. چگونه است که حاکمان امروز ما

جامعه زنان انقلاب اسلامی

بیانیه جامعه زنان انقلاب اسلامی در واکنش به درگذشت مهسا امینی

آیا نمی دانید آنچه ایمان و اعتماد مردم را متزلزل کرده است، رفتار دوگانه ای است که از سوی متولیان دین حکومتی مشاهده می شود؟ مگر این آیه قرآن نیست که کشته شدن یک بی گناه با قتل همه انسان ها برابر است؟ باشد که " و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون" را فراموش نکرده باشیم. دیر زمانی نمی گذرد که اینها را به رژیم سابق یادآوری می کردیم.

برای خواندن بیانیه کامل instant view را مشاهده کنید.

<https://telegra.ph/Jzn-09-17-2>

Telegraph



بیانیه حزب جامعه زنان انقلاب اسلامی در واکنش به درگذشت مهسا امینی
فاین تذهبون؟ حجاب در قرآن برای مؤمنین توصیه شده است، بی آنکه مجازاتی برای ترک آن اعلام



Broadcast



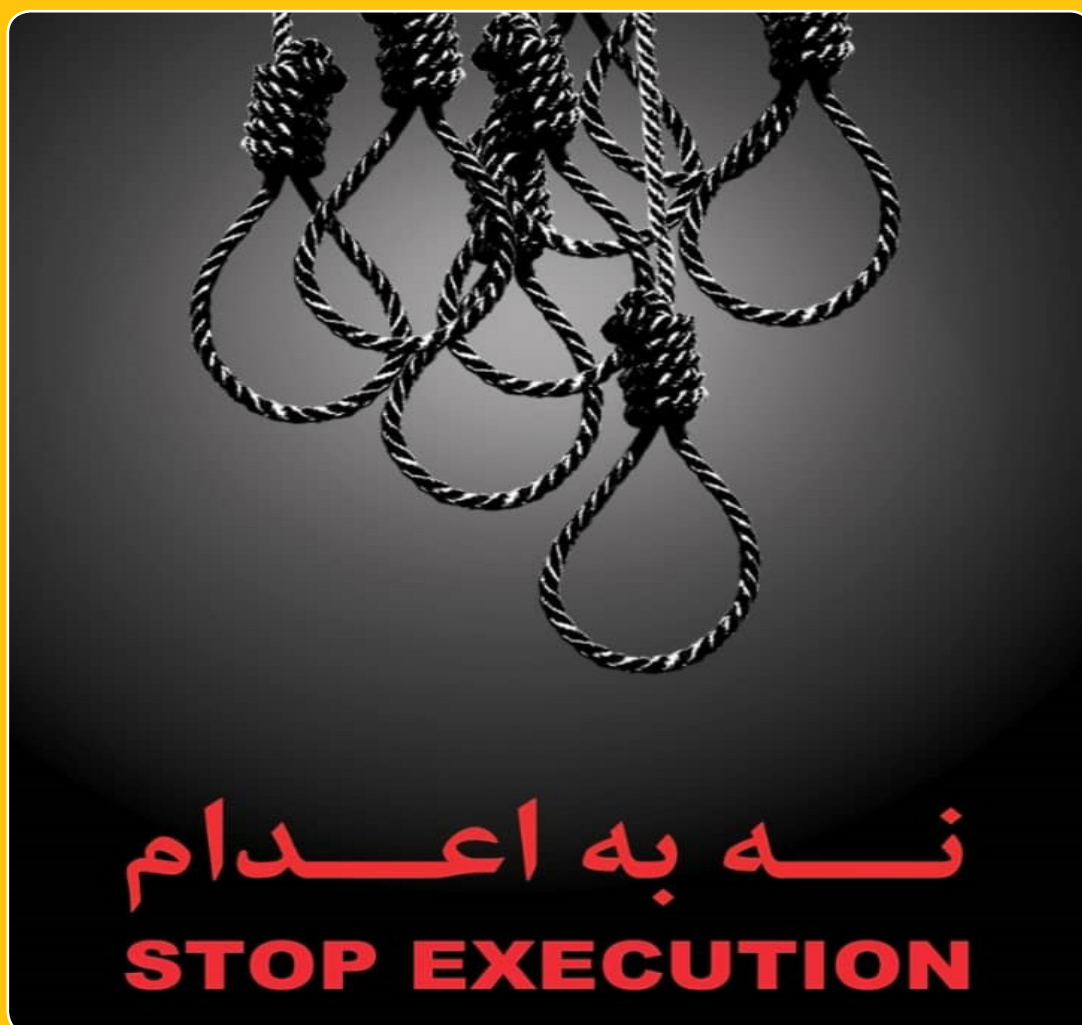
نه به اعدام



با گذشت بیش از دو ماه از اعتراضات مردمی که با سرکوب، خشونت و کشتار توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها همراه بوده، شاهد بازداشت و دستگیری جوانان و دانشجویان و بدنبال آن روند ناعادلانه دادگاه‌ها، اتهامات واهی و صدور احکام سنگین برای بازداشت شدگان هستیم.

صدور احکام سنگین مثل حبس‌های طولانی مدت و اعدام، فضای ملتهب و بحرانی کشور را بیش از پیش پیچیده می‌کند و اجرای شتاب زده آنها مثل اعدام محسن شکاری با دامن زدن به خشم مردم، کشور را به لبه پرتگاه خشونت‌های کور، ترور و جنگ داخلی سوق می‌دهد. ادامه این روند نه در راستای منافع ملی است و نه به نفع حاکمیت. امید است گوش شنوایی برای شنیدن مطالبات به حق مردم معترض وجود داشته باشد.

جامعه زنان انقلاب اسلامی ضمن محکوم کردن این برخوردهای ناعادلانه و غیرقانونی، توقف فوری اعدام‌ها و آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان و بازداشت شدگان اعتراضات اخیر را از قوه قضاییه می‌خواهد.



نه به اعدام
STOP EXECUTION